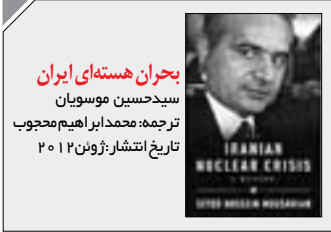


سیاست‌تغییر ناپذیر



کتاب «بحران هسته‌ای ایران» از کامل‌ترین مستندهای چالش هسته‌ای ایران است که در سطح جهانی به چاپ می‌رسد. این کتاب ابعاد فنی، سیاسی-امنیتی پرونده هسته‌ای ایران در ۵۰ سال گذشته را به طور مستند مورد بررسی قرار داده به‌ویژه از سال ۱۳۸۱ که بحران هسته‌ای ایران با صدور قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در شهریور ۱۳۸۲ آغاز شد. قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رویکرد قدرت‌های جهانی، رویکردهای متفاوت سیاسی داخلی، دیپلماسی هسته‌ای در دوران ریاست‌جمهوری آقای خاتمی و آقای احمدی‌نژاد و نقاط ضعف و قوت هر یک، از جمله محورهایی است که در کتاب «بحران هسته‌ای ایران» مورد بررسی قرار گرفته، به‌ویژه اینکه اشتباهات غرب نیز به تفصیل تشریح شده است.

کتاب بحران هسته‌ای ایران سناریوهای موجود جهان غرب از جمله: حمله نظامی، تحریم و تخریب علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، پذیرش ایران دارای بمب اتم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و اثبات می کند که تحریم، حمله نظامی، تخریب علیه تأسیسات هسته‌ای ایران و تور دانشمندان هسته‌ای ایران هیچ کدام موجب تغییر سیاست هسته‌ای ایران نخواهد شد زیرا موضوع هسته‌ای مورد اجماع ملی ایرانیان است و هر دولتی با هر رویکرد سیاسی در راس قدرت باشد، این سیاست را تقییب خواهد کرد.

موسویان در کتاب بحران هسته‌ای خود دلایل جامعی برای اثبات این حقیقت که ایران به‌دنبال بمب هسته‌ای نیست، ارائه کرده و نقاط ضعف و اشکالات دیپلماسی جامعه جهانی برای حل مساله هسته‌ای در ۱۰ سال گذشته را برشمرده است. وی در پایان، دیپلماسی کارآمد برای حل مساله هسته‌ای ایران را ارائه و دستور کار مرحله‌ای جامعی را به‌عنوان راه‌حل درازمدت و بادوام عرضه می کند. طرح مرحله‌ای جامع موسویان در چهار بخش است:

۱- موضوع هسته‌ای، وی معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، فتوای رهبری و اظهارات اولیاما رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران در مقابل تعهدات را سه پایه اساسی برای حل مساله هسته‌ای دانسته و تعهدات متقابل زیر را پیشنهاد می کند:

الف) تعهدات شورای امنیت سازمان ملل

۱- به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران شامل غنی‌سازی

۲- رفع تحریم‌ها

۳- خارج کردن پرونده هسته‌ای ایران از دستور کار شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای

۴- همکاری جامعه جهانی با ایران در زمینه تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای

ب) تعهدات ایران

۱- عملیاتی کردن فتوای رهبری در مورد حرمت سلاح هسته‌ای

۲- عملیاتی کردن پیشنهاد رئیس‌جمهور ایران مبنی بر تشکیل کنسرسیوم جهانی برای غنی‌سازی سوخت در ایران

۳- اجرای پروتکل الحاقی و ترتیبات فرعی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی

۴- همکاری ایران با آژانس برای رفع تمامی ابهامات فنی آژانس

۵- توسعه ظرفیت غنی‌سازی متناسب با نیاز داخلی با صدور اورانیوم غنی‌شده مزاد بر نیاز داخلی یا تبدیل آن به فلز و میله سوخت

۶- شفافیت در تولید سانتریفیوژ

۷- عدم بازفرآوری برای یک دوره محدود اعتملاسازی

۸- عدم ساخت رآکتور آب سنگین جدید برای یک دوره محدود اعتملاسازی و در صورتی که رآکتور آب سبک در اختیار ایران قرار گیرد.

پ- بسته ایران و آمریکا

همزمان با پیشبرد بسته هسته‌ای، بسته جامعی شامل تمامی مسایل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی فی‌مابین ایران و آمریکا، مورد گفت‌وگوی تهران – واشنگتن قرار گیرد و محورها و موضوعاتی که دو کشور دارای منافع مشترک هستند نیز مورد همکاری قرار گیرد ازجمله مبارزه با موادمخدر و صلح و ثبات در افغانستان و عراق.

ت- عاری‌سازی خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی
راحل درازمدت و بادوام، عاری‌سازی خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی است و باتوجه به اینکه اسرائیل تنها کشور دارنده سلاح‌های هسته‌ای است، جامعه جهانی باید در این مورد اقدام جدی به‌عمل آورد.

ث- پایان بخشیدن به استانداردهای دوگانه

غرب با کشورهای همچون هند، پاکستان و اسرائیل که دارای سلاح هسته‌ای بوده و عضو معاهده «ان‌پی‌تی» نیستند، رابطه استراتژیک دارد و شدیدترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال می کند که هم عضو «ان‌پی‌تی» است و هم سلاح هسته‌ای ندارد. غرب باید به این استانداردهای دوگانه خاتمه دهد.

سرزمین زیبای آذربایجان همیشه یادآور ایرانیانی وطن‌دوست و خردمند است. کتاب «سلام بر آذربایجان» نوشته و گردآوری دکتر عبدالحسین مستوفی با گفتارها و مقالاتی از استاد شهریار، عباس اقبال آشتیانی، دکتر تقی ارانی، دکتر احسان یارشاطر، مهندس ناصح ناطق، دکتر محمدامین ریاحی، دکتر عباس زیرباخویی، دکتر منوچهر مرتضوی، دکتر ماهیار نوبی، دکتر جلال متینی، دکتر عنایت‌الله رضا و کلاه همیشه ایرانی را تصویر کند و از فرزندان ایران بگوید که در هر کجای این خاک عشق وطن و آزادیگی دارند و دوستی مردم.

در اولین مقاله کتاب «عباس اقبال آشتیانی» با نگاهی دقیق به جغرافیای آذربایجان از منظر آثار کهن می‌پردازد و می‌نویسد: معجم‌البلدان یاقوت را که در اوایل قرن هفتم هجری یعنی حین استیلای مغول تألیف‌شده بر دارد و اعلام جغرافیایی آذربایجان و اران را تا سوازی رودخانه کورا و دربند یکی‌یکی مطالعه کنید، نادر است اگر به یک اسم ترکی بر بخورید و همین حال وجود دارد کم و بیش در مطالعه کتاب بستان‌السلاحه حاج زین‌العابدین شروانی که در ۱۲۴۷ یعنی سه سال قبل از مرگ فتحعلی شاه به انجام رسیده است. و تصریح دارد: همه آثار تاریخی و خرابه‌های آتشکده و کتیبه‌های مختلف که در سراسر آذربایجان دیده می‌شود همه

در حکم مشتق فولادین است بر دهان دشمنانی که بخواهند به غرض و مقصد، این سرزمین را از ایران جدا بدارند یا به عمد در جدا کردن آن کوشش بی‌فایده به خرج دهند. در مقاله جواب به روزنامه‌های استانبول، «دکتر تقی ارانی تبریزی» باو سه‌رایی‌های فردی به نام «روشنی‌بیک» را پاسخ داده است که ادعا دارد در ایران سیاحت کرده، آثار روح ترک را مشاهده کرده است و مثال می‌زند که گنبد سلطانیه در نزدیکی زنجان و مسجد کبود در تبریز از این قبیل هستند. غافل از اینکه اگر این آثار از روح ترک و نژاد مغول است، چرا در مغولستان وطن مبارکشان چند عدد از این شاهکارها نکرده‌اند. تقی ارانی تصریح می کند روح ایرانی در هر موقع آثار خود را به ظهور رسانده و خواهد رساند. منتها اینکه چون در زمان استیلای مغول این آثار به ظهور رسیده به‌اسم مغول مشهور شده است و گر نه همان دوقی که در ازمنه قدیمه تخت‌جمشید و طاق کسری و بیستون و طاق بستان و طاق بسطام را به وجود آورده در زمان مغول در تحت صورت گنبد سلطانیه و مسجد کبود تبریز ظهور کرده است. و می‌پرسد: چرا آقای روشنی‌بیک وقتی ایران را می‌بیند در قمارت خون هر ایرانی پاک شعله‌ور شده است توجه نکرده، فقط از اسم مسجد کبود حکم می کند که این از آثار ترک است. اگر این‌طور باشد خود ایشان ایرانی هستند چون اسم‌شان فارسی است.

پیشینه فرهنگ‌نویسی در ایران به دوره حکومت ساسانیان برمی گردد و از آن روزگار تا امروز بیش از ۳۰۰ اثر در زمینه فرهنگ اعم از واژگان و اصطلاحات فلسفی، پزشکی، جامعه‌شناسی و در نیم‌قرن اخیر فرهنگ‌هایی در زمینه هنرهای تجسمی، موسیقی و سینما پدید آمده‌است. دربارهٔ مکتب‌های سیاسی و اصطلاحات مربوط به آن نیز آثاری ترجمه و تدوین شده است ولی «فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی» که از سوی «پرویز بابایی» مترجم نام آشنای آثار فلسفی فراهم آمده، در نوع خود متمایز است و خواننده می تواند در این فرهنگ آنچه را درباره اصطلاحات سیاسی، پیمان‌ها، معاهدات تاریخی، مکتب‌ها و اطلاعاتی درباره فلاسفه و نظریه‌پردازان سیاست جست‌وجو می کند. پیش رو داشته باشد گردآوری و ترجمه این کتاب از چند منظر قابل تأمل است. اول و شاید مهم‌تر از همه، نگاه نو به سیاسی فراهم آورده و نیز روشمندبودن فرهنگی مرجع برای اهل نظر و اندیشه است که در تألیف کتاب نمود باری دارد. پرویز بابایی از مترجمان متون چپ در ایران است و بدون شک این مساله در گردآوری و تألیف این فرهنگ خود را نشان می دهد.بابایی کتب‌هایی چون «گزیده نوشته‌های کارل مارکس»، «مسایل تاریخ فلسفه»، «سقراط در سارتر» (فلسفه برای همه) و «اندیشه انقلابی مارکس» را ترجمه کرده و بحث و نظر‌های مختلفی را در حوزه اندیشه‌های

فروید، «کارل گوستاو یونگ» را شاگردی می دانست که می توانست در برابر او در مقام شریکی که در آفرینشگری همپایش‌اش روح نماید و قادر به انتقاد سازنده‌ای باشد که پژوهش مدرن در روح بشری نیازمندش بود. یونگ کیست و چه می خواهد؟ خودش می گوید: «من پزشکی هستم که با بیماری بشر و زمانه او سرو کار دارد و در اندیشه دست یافتن به درمانی است که باواقعیت رنج مطابقت داشته باشد. معاینه‌های روانی مرا بر آن داشت که نمادها و شخصیت‌های تاریخی را از لایه‌ای گردوغبار گزهرپاشان بیرون کشم. من شاهد آن بوده‌ام که تنها رفق شاهانه‌ای بیماری از بیمارانم کافی نبوده است... ما آتقدر به آ‌رمان‌ها نیاز نداریم که به اندکی خردورزی، درون‌نگری و نگرش دینی و با قید احتیاط به تجربه‌های برخاسته از ناخودآگاهی، من به عمد می گویم «دینی» زیرا برایم چنین می‌نماید که این تجربه‌ها باری‌مان می‌دهند تا زندگی، سالم‌تر و زیباتر یا کامل‌تر و پرمناتر شود. برای شخص یا افرادی که به آنان عشق می‌ورزم بسنده است که چنین اعتراف کنند: این لطیف‌الهی بود.»

یونگ این سخنان را در کهنسالی در مصاحبه‌ای با نشریه «فولت ووخه» درباره خود ادا کرد. او همزمان پاسخی به این پرسش پنهان و آشکار داد که کارل گوستاو یونگ مدافع عرفان سده‌های میانه‌ای است یا کارشناس اهل شرق یا مصلح مذهبی در عصر جدید. چنین پرسشی دور از ذهن نیست: زیرا این پزشک روح، کار خود را به بیست و شش سالگی محدود نکرده بلکه به اطراف و اکناف این نگاهی داشته است تا شواهد تجربه‌های روحانی

کتاب

آذربایجان ما

جواد لگزیان



شهرهای بزرگ یا روستاهای کوچک یا قبایل چادرنشین، کمتر کسانی را خواهید دید که پهلوئانان شاهنامه را نشانسانند یا از داستان‌های بیژن و منیژه و خون سیاوش چیزهایی به گوش‌شان نرسیده باشد یا از حوادث عظیمی مانند تاخت و تاز اعراب و مغول‌ها یا حمله روس‌ها و جنگ‌های ایران و روس که قیافه کشور ما را تا حدود زیادی تغییر داده به کلی بی خبر باشند. گویا هنوز در روستاهای دورافتاده مازندران از مرگ سیاوش یاد و مراسم سوگواری‌مانندی برایش برپا می کنند و همچنین کودکان آذربایجان به یاد شکست آذربایجان از روس‌ها هم‌اکنون این آواز را به یاد دارند و با تأسف می‌گویند: آرسین سوبی گوزلریم دن آویسر... آب رود ارس همیشه از دیدگان ما جاری است! در نوشتاری جالب به نام

زبان آذربایجان «دکتر منوچهر مرتضوی» از هم آوایی زبان فارسی و آذری می‌تکارد: زبان مردم نقاط مختلف ایران با وجود اختلافاتی که لازمه طبیعی لهجه‌های گوناگون است دارای زمینه و رنگ واحد ایرانی است و همین زمینه و رنگ ایرانی است که به وضوح در زبان کنونی آذربایجان نیز جلوه‌گر است و روشن‌تر از هر دلیلی ریشه و بن و اصل ایرانی زبان آذربایجان را نمایان می کند.

تازه‌ترین فرهنگ اصطلاحات سیاسی

حاضر یکی از مراجع اهل فن به شمار می‌آید؛ با تأکید بر این نکته که در شیوه کار وی تنها گزینش عناوین به پیروی از فرهنگ آکسفورد بوده و در توضیح و شرح مربوط به هر مدخل با تألیف یا ترجمه از منابع دیگر، سعی شده است که در روزترین اطلاعات و آگاهی‌ها تا زمان انتشار این فرهنگ به دست داده شود. بابایی در برخی مدخل‌ها دیدگاه انتقادی خود را نسبت

به سیاست با تفکر مور اشاره وارد می کند و در برخی مداخل نیز ورود فکری و انتقادی نمی کند. نکته قابل اشاره دیگر درباره کتاب این است که فرهنگ آکسفورد برای درج و وارد کردن نام اشخاص دو معیار داشته که بابایی نیز این روش را مدنظر قرار می کند و در برخی مداخل نیز ورود فکری و انتقادی نمی کند. کتاب قابل اشاره دیگر درباره کتاب این است که فرهنگ آکسفورد برای درج و وارد کردن نام اشخاص دو معیار داشته که بابایی نیز این روش را مدنظر قرار

داده است. نخست اینکه شخصیت قابل بحث تا پایان سده بیستم در گذشته باشد و دوم آنکه به شکل قابل ملاحظه در دوران حیات سیاسی و علمی‌اش داشته، کوششی نیز در راه ارائه نظریات سیاسی یا آرای فلسفی خویش به انجام رسانده

فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی

پرویز بابایی

ناشر: نگاه

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی

پرویز بابایی

ناشر: نگاه

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

طرز تعبیر مشترک آذربایجانی و فارسی یا تعبیرات و اصطلاحات و امثال مشترک فارسی و آذربایجانی به قول مرتضوی آینده‌ای است که از بیوستگی و وحدت

زمینه زبان مردم آذربایجان با زبان دیگر نقاط ایران حکایت می‌کند و نماینده این حقیقت است که مردم آذربایجان همان گونه می‌اندیشند و تعبیر می‌کنند و مثل می‌آورند شده است که درون آن تعداد بیشمارى فضا وجود دارند. اینترنت یک کلان‌فضا است که در آن تعداد بیشمارى سایت وجود دارد. در میان این فضاها، همه جور سلیقه و همه انواع شیوه‌های زندگی وجود دارند. از طالبان گرفته تا فرقه‌های افراطی، فضاهای عرفانی، مدیترشن، کاراته، فوتبال، کوهنوردان، کلکسیونرها، آدمخوارها، پزشکان بدون مرز، انواع آن‌جی‌او و انواع محافل هنری و ادبی که هر کدام فضاهای خاص خودشان را دارند. هر روز فضاهای جدیدی به وجود می‌آیند و در همان حال فضاهای مشابه و هم هویت نیز در هم ادغام می‌شوند و البته برخی فضاها نیز با ترک آخرین نفر ناپدیدمی شوند.

اماد در این کلان‌فضای کثرت‌گرا برای گسترش زبان نقد بالاخره مبنای مشترک‌ی باید پیدا شود. از نگاه بهمن بازگانی ما در این فضای کثرت‌گرا با نقدی دیگرگونه هم روبه‌رویم.

بهمن بازگانی معتقد است عصر نقد مدرن سپری شده چراکه نقد مدرن از دیدگاهی سرکوبگرانه آغاز به نقد یک متن می کرد و نگرش خود را تنها نگرش درستی می‌انگاشت و انحصار طلبانه بر هر آنچه تائید می‌کرد راه را بر تائیدهای دیگر، بر نگرش‌های دیگر و بر نتایج بالقوه دیگر می‌ست. او تصریح می کند این نقد مدرن نخبه‌گرا و محصول فضاهای هرمی‌شکل است و متقابلا به تکثیر فضاهای هرمی شکل می‌پردازد. در فضاهای هرمی‌شکل طبقه‌بندی ارزشی و زیبایی شناختی وجود دارد. یک دیدگاه که نظریه یا یک شیوه در بالا می‌نشیند، در راس هر می‌ایستد و دیگر دیدگاه‌ها، نظر به‌ها و شیوه‌ها به ترتیب از راس تا پایه هرم طبقه‌بندی می‌شوند.

در مقابل، او از نقد کثرت‌گرا می‌گوید که حس آوانگارد و رسالت ناشی از آن را به بازی و بازیکاری تبدیل می کند. نقد در فضای کثرت‌گرا بازیکار، است. با هر دیدگاهی بازی متفاوتی ارایه می‌شود. دیدگاه الف ما را به بازی الف و دیدگاه ب ما را به بازی ب می‌کشاند و این بازی و بازیکاری، هر بار که ماتریس نگاه ما اندکی درگون می‌شود، بازی‌های متفاوتی را ارایه می‌دهد. بازی‌هایی که در کنار بازی‌های پیشین و بازی‌های پسین ردیف می‌شوند. در چنین فضای بسته‌ای به راهی که انتخاب می‌کنیم و هدفی که در پیش داریم و مورد مصرفی که برای نقد وجود دارد



نمی‌شود. هیچ امریتی در کار نیست جز الزاماتی که سمت و سوی نگاه ما به ما تحمیل می کند. اما این ما هستیم که به سمت‌وسوهای متفاوتی می‌چرخیم. بسته به اینکه چه چیز را چگونه برآی رسیدن به چه هدفی، برمی‌گزینیم. بهمن بازگانی بر آن است در کلان‌فضای کثرت‌گرا ما از یک تصویر به تصویر دیگر و از یک طرح به طرحی دیگر حرکت می‌کنیم. ما به سبوی هیچ حقیقت یا زیبایی‌ی نهایی نه نزدیک می‌شویم و نه از آن دور. در این فضا هر کسی یک توریست است. او می‌تواند نظر و تاولیل خود را بگوید. فقط بگوید و دیگران بشنوند. فقط بشنوند. نظر و تاولیل او شاید برای توریست‌های دیگر جالب باشد. این جالب بودن به معنی شگفت‌انگیز بودن یا زیبا بودن است. در اینجا کسی در پی حقیقت نیست. حقیقت فراورده فضاهای کانون گراست. در کلان‌فضای کثرت‌گرا حقیقت معبد متروکه گمشده‌ای است که زاینار شیفته را همانند سیمرغ عطار در نهایت به خودشان ارجاع می‌دهد. این توریست - منتقد از نگاه بازگانی در پی کشف اصالت یک اثر نیست، اصالت در این فضای متکثر بی‌معانست. البته هنوز هم بسیاری این واژه را به کار می‌برند، اما توهم اصالت، مرده رنگ فضای مدرن است که الگوی عمومی و مشترکی را پیش‌فرض می گرفت و سپس به دنبال آن بود که کدام اثر اصیل‌تر و به آن الگو نزدیک‌تر است. در این دنبال کشف نشانه‌های اصالت و اشرافیت یک اثر بودند و منتقد، متخصص این نشانه‌یابی بود. اینک است در کلان‌فضای کثرت‌گرا این کار بی‌فایده است. کدام اصالت؟ کدام اشرافیت؟ توریست - منتقد، اصالت‌ها و اشرافیت‌ها را در همان فضایی که او بومی آن است جا گذاشته است تا در این توریسم زیبایی‌شناختی، با ذهنی آماده درک شگفتی‌ها، وارد فضای اثر شود. انگیزه او در عین حال پاداش او نیز هست، لذت زیبایی‌شناختی است. همین حس است که محور و مرکز توجه او در این فضای کثرت‌گرا است که لذت زیبایی‌شناختی ببرد. مسابقه‌ای در کار نیست. پس کلان‌فضای کثرت‌گرا پر است از محفل‌ها و جامعه‌ها و فرقه‌ها و گروه‌ها از همه نوع و هر یک از آنها کم و بیش نگاهی مخصوص به خود دارند که آنها را تنویزه کرده و به صورت نظریه‌هایی مطرح می‌کنند. و در این کلان‌فضا هویت و عناصری از هویت که منظور نظر جهان قدیم (جهان مدرن) بوده، یعنی نوع و کیفیت محتوای اندیشگی صاحب اندیشه یا ارزش‌های اخلاقی یک شخص یا ایدئولوژی او یا متعلقات قومی و نژادی و فرهنگی او، همه و همه، تبدیل به اموری خصوصی می‌شوند.

نقد در فضای کثرت‌گرا

■ ما اکنون در جهانی زندگی می‌کنیم که با یک کلیک می‌توانیم لاقل در جهان مجازی فضایی نوین را تجربه کنیم. به‌باور «بهمن بازگانی» «کلان‌فضای نوین، فضایی است باانبوه‌باورهایی که تقریبا هیچ‌یک مشترک بین همگان نیست. جهان معاصر تبدیل به کلان‌فضایی شده است که درون آن تعداد بیشمارى فضا وجود دارند. اینترنت یک کلان‌فضا است که در آن تعداد بیشمارى سایت وجود دارد. در میان این فضاها، همه جور سلیقه و همه انواع شیوه‌های زندگی وجود دارند. از طالبان گرفته تا فرقه‌های افراطی، فضاهای عرفانی، مدیترشن، کاراته، فوتبال، کوهنوردان، کلکسیونرها، آدمخوارها، پزشکان بدون مرز، انواع آن‌جی‌او و انواع محافل هنری و ادبی که هر کدام فضاهای خاص خودشان را دارند. هر روز فضاهای جدیدی به وجود می‌آیند و در همان حال فضاهای مشابه و هم هویت نیز در هم ادغام می‌شوند و البته برخی فضاها نیز با ترک آخرین نفر ناپدیدمی شوند.

اماد در این کلان‌فضای کثرت‌گرا برای گسترش زبان نقد بالاخره مبنای مشترک‌ی باید پیدا شود. از نگاه بهمن بازگانی ما در این فضای کثرت‌گرا با نقدی دیگرگونه هم روبه‌رویم.

بهمن بازگانی معتقد است عصر نقد مدرن سپری شده چراکه نقد مدرن از دیدگاهی سرکوبگرانه آغاز به نقد یک متن می کرد و نگرش خود را تنها نگرش درستی می‌انگاشت و انحصار طلبانه بر هر آنچه تائید می‌کرد راه را بر تائیدهای دیگر، بر نگرش‌های دیگر و بر نتایج بالقوه دیگر می‌ست. او تصریح می کند این نقد مدرن نخبه‌گرا و محصول فضاهای هرمی‌شکل است و متقابلا به تکثیر فضاهای هرمی شکل می‌پردازد. در فضاهای هرمی‌شکل طبقه‌بندی ارزشی و زیبایی شناختی وجود دارد. یک دیدگاه که نظریه یا یک شیوه در بالا می‌نشیند، در راس هر می‌ایستد و دیگر دیدگاه‌ها، نظر به‌ها و شیوه‌ها به ترتیب از راس تا پایه هرم طبقه‌بندی می‌شوند.

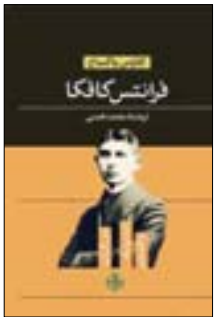
در مقابل، او از نقد کثرت‌گرا می‌گوید که حس آوانگارد و رسالت ناشی از آن را به بازی و بازیکاری تبدیل می کند. نقد در فضای کثرت‌گرا بازیکار، است. با هر دیدگاهی بازی متفاوتی ارایه می‌شود. دیدگاه الف ما را به بازی الف و دیدگاه ب ما را به بازی ب می‌کشاند و این بازی و بازیکاری، هر بار که ماتریس نگاه ما اندکی درگون می‌شود، بازی‌های متفاوتی را ارایه می‌دهد. بازی‌هایی که در کنار بازی‌های پیشین و بازی‌های پسین ردیف می‌شوند. در چنین فضای بسته‌ای به راهی که انتخاب می‌کنیم و هدفی که در پیش داریم و مورد مصرفی که برای نقد وجود دارد

این ماهستیم که انتخاب می‌کنیم. چیزی به ما تحمیل نمی‌شود. هیچ امریتی در کار نیست جز الزاماتی که سمت و سوی نگاه ما به ما تحمیل می کند. اما این ما هستیم که به سمت‌وسوهای متفاوتی می‌چرخیم. بسته به اینکه چه چیز را چگونه برآی رسیدن به چه هدفی، برمی‌گزینیم. بهمن بازگانی بر آن است در کلان‌فضای کثرت‌گرا ما از یک تصویر به تصویر دیگر و از یک طرح به طرحی دیگر حرکت می‌کنیم. ما به سبوی هیچ حقیقت یا زیبایی‌ی نهایی نه نزدیک می‌شویم و نه از آن دور. در این فضا هر کسی یک توریست است. او می‌تواند نظر و تاولیل خود را بگوید. فقط بگوید و دیگران بشنوند. فقط بشنوند. نظر و تاولیل او شاید برای توریست‌های دیگر جالب باشد. این جالب بودن به معنی شگفت‌انگیز بودن یا زیبا بودن است. در اینجا کسی در پی حقیقت نیست. حقیقت فراورده فضاهای کانون گراست. در کلان‌فضای کثرت‌گرا حقیقت معبد متروکه گمشده‌ای است که زاینار شیفته را همانند سیمرغ عطار در نهایت به خودشان ارجاع می‌دهد. این توریست - منتقد از نگاه بازگانی در پی کشف اصالت یک اثر نیست، اصالت در این فضای متکثر بی‌معانست. البته هنوز هم بسیاری این واژه را به کار می‌برند، اما توهم اصالت، مرده رنگ فضای مدرن است که الگوی عمومی و مشترکی را پیش‌فرض می گرفت و سپس به دنبال آن بود که کدام اثر اصیل‌تر و به آن الگو نزدیک‌تر است. در این دنبال کشف نشانه‌های اصالت و اشرافیت یک اثر بودند و منتقد، متخصص این نشانه‌یابی بود. اینک است در کلان‌فضای کثرت‌گرا این کار بی‌فایده است. کدام اصالت؟ کدام اشرافیت؟ توریست - منتقد، اصالت‌ها و اشرافیت‌ها را در همان فضایی که او بومی آن است جا گذاشته است تا در این توریسم زیبایی‌شناختی، با ذهنی آماده درک شگفتی‌ها، وارد فضای اثر شود. انگیزه او در عین حال پاداش او نیز هست، لذت زیبایی‌شناختی است. همین حس است که محور و مرکز توجه او در این فضای کثرت‌گرا است که لذت زیبایی‌شناختی ببرد. مسابقه‌ای در کار نیست. پس کلان‌فضای کثرت‌گرا پر است از محفل‌ها و جامعه‌ها و فرقه‌ها و گروه‌ها از همه نوع و هر یک از آنها کم و بیش نگاهی مخصوص به خود دارند که آنها را تنویزه کرده و به صورت نظریه‌هایی مطرح می‌کنند. و در این کلان‌فضا هویت و عناصری از هویت که منظور نظر جهان قدیم (جهان مدرن) بوده، یعنی نوع و کیفیت محتوای اندیشگی صاحب اندیشه یا ارزش‌های اخلاقی یک شخص یا ایدئولوژی او یا متعلقات قومی و نژادی و فرهنگی او، همه و همه، تبدیل به اموری خصوصی می‌شوند.

گذاشته‌اند. کافکا مردی دنیادیده و اهل مسافرت نبود. زندگی‌اش عاری از تلاطم‌های ملاموی بود که زندگنامه‌های نویسندگان قرن بیستم آکنده از آنهاست. در زندگی او خبری از مسافرت‌های طولانی، تجربیات فراوان تحصیلی یا مرانده و دیدارهای مهم با همکاران نیست. کافکا حتی از میان معاصران برجسته‌تریش‌اش تنها شمار اندکی را می‌شناخت. اگرچه با آثارشان آشنایی داشت ولی اهل مشارکت در بحث‌های ادبی نبود و در نهایت در نقش شونده‌ای محسوس کحرف و سادکت از گفت‌وگوها شرکت نمی‌کرد؛ زندگی‌ای با ماهیت شهرستانی یا به عبارتی محلی داشت ولی آنچه از او برجا مانده، جهانی و فرازمانی است.

کتاب «فرانتس کافکا» نوشته «کلاوس وگنباخ» ترجمه «محمد همتی» از مجموعه «زیر آوازهای هنر» انتشارات کتاب پارسه ۲۰۰۰ صفحه منتشر شده است. برخی عناوین فصل‌های کتاب عبارت‌اند از: آوازه دیرنه‌نگام، تاجرزادای سردرگرم در پراگ، می‌مؤختند؟ دانشگاه و اجتماع و زبان در

شهری از امپراتوری دانوب؛ زندگی «چیچه» علاقه‌مند شد و از تاثیر پوشیدگان، به گفته «سعید فیروزآبادی» این مجموعه قرار است با انتشار کتاب‌های گایرل گارسیا مارکز، اندره زیده، فتوئور، داستایوفسکی، مه‌لما گلدی، لئو تولستوی، آرتور شوپنهاور، مارتین بایدگر و جیمز جویس ادامه پیدا کند. این آثار از مجموعه تکنگرایی‌های موسوم به TORO انتشارات «فرولت» آلمان انتخاب شده و توسط مترجمان آلمانی‌زبان کشورمان برگردانده می‌شود.



فرانتس کافکا

کلاوس وگنباخ

ترجمه: محمد همتی

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

فرانتس کافکا

کلاوس وگنباخ

ترجمه: محمد همتی

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان